



انجمن ایرانی حقوق بشر

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

شماره پیاپی ۱۴



دانشگاه گیلان

رابطه باورهای غیر منطقی، منبع مهارگری با نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی

دکتر فاطمه کریمی ^۱

الیاس نیکوی کوپس ^۲

لیلا نیک خواه فشکچه ^۳

زهرآ آسوده نالکیاشری ^۴

مریم بابائی خوبده ^۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه باورهای غیر منطقی، منبع مهارگری و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی است. روش تحقیق از نوع همبستگی است. ۳۷۹ دانش آموز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ی باورهای غیر منطقی جونز، منبع مهارگری نوویکی-استریکلند و نگرش به رفتارهای بزهکارانه فضلی پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون، آزمون هم‌خطی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است. نتایج نشان داد بین باورهای غیرمنطقی و منبع مهارگری بیرونی با گرایش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت معنادار وجود دارد ($p < 0/01$) و بین منبع مهارگری درونی با گرایش مثبت به بزهکاری رابطه منفی معنادار وجود دارد ($p < 0/01$). نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که باورهای غیرمنطقی و منابع مهارگری می‌توانند ۱۲ درصد از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را پیش‌بینی نمایند. نتایج تحقیق حاضر دلالت بر اهمیت متغیرهای روانشناختی باورهای غیر منطقی و منبع مهارگری در گرایش مثبت به بزهکاری دارد، که آموزش صحیح مولفه‌های سلامت روان و اجرایی آزمون‌های غربالگری و پایش سلامت روانی دانش آموزان، باید بیشتر مورد توجه مسئولین سلامت روان در مدارس قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نگرش به بزهکاری، منبع مهارگری درونی، منبع مهارگری بیرونی، باورهای غیرمنطقی، دانش آموزان.

✉ fatemeh.karimi223@gmail.com

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه گیلان

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره تحصیلی دانشگاه تربیت دبیر شهید

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی دانشگاه علوم بهزیستی و

رجایی تهران

توانبخشی تهران

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده دانشگاه گیلان

۳. کارشناس رشته مشاوره دانشگاه گیلان

مقدمه

در قرن بیستم و پس از پایان جنگ جهانی دوم با توجه به پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و صنعتی شدن جوامع و به دنبال آن سست شدن روابط حاکم بر خانواده و همچنین مهاجرت بی رویه به شهرهای بزرگ و افزایش حاشیه نشینی، زمینه مناسبی برای گسترش انحرافات اجتماعی فراهم شد. در نتیجه، افراد زیادی به دلایل گوناگون مرتکب بزهکاری شدند (حسینی و یکه‌کار، ۱۳۹۰: ۹۸). مبحث بزهکاری (Delinquency) و رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و نیز نگهداری از آن‌ها و از سویی دیگر افزایش بزهکاری نوجوانان و تأثیر مخرب آن بر سازگاری نوجوانان و امنیت عمومی، توجه بسیاری از جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روانشناسان را به خود جلب کرده است (آگنو، ۲۰۰۸: به نقل از باو و همکاران، ۲۰۱۵: ۳۷).

بزهکاری، معمولاً از مباحث مهم و قابل بررسی در جرم‌شناسی و سایر علوم مرتبط با انسان‌ها می‌باشد. نقطه مشترک این دیدگاه‌ها توجه ویژه به اطفال و نوجوانان می‌باشد و اصولاً با توجه به شرایط سنی آنان قوانین و مقررات خاصی وضع شده است. کودکان و نوجوانان سرمایه‌ی معنوی جامعه می‌باشند، و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده‌ی سلامت جامعه در آینده می‌باشد. بنابراین مسایل آنان از جمله مسایلی است، که باید به آنها توجه ویژه‌ای مبذول داشت بررسی ریشه‌ای مسایل اطفال و از آن جمله بزهکاری اطفال، برای رسیدن به یک جامعه ایده‌آل شرط ضروری است (مختاری، ۱۳۹۱: ۱۶). بزهکاری نوجوانان از دو جنبه در زمره مسائل مهم اجتماعی جامعه ایران به شمار می‌رود: اولاً بزهکاری در نوجوانی احتمال رفتار مجرمانه را در دوران بزرگسالی افزایش می‌دهد و ثانیاً، بر اساس داده‌های خودگزارشی از نوجوانان، سطح واقعی بزهکاری نوجوانان حتی از آمارهای مربوط به دستگیری‌های رسمی نیز بیشتر است (چارچ و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۲).

علاوه بر این، بزهکاری اطفال و نوجوانان در بیشتر موارد فاقد خشونت زیاد و از عوامل کینه‌توزی یا خصومت به دور است. بزهکاری آنان در واقع، نتیجه طبیعی و غیر طبیعی مسیر نیل آنان از مرحله خردسالی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی است. به لحاظ همین تفاوت‌ها، برخورد با بزهکاری نیازمند شناسایی عمیق شخصیت طفل و در نظر گرفتن شرایط فردی و اجتماعی وی، در نهایت اقدامات اجتماعی- تربیتی یا پاسخ‌های کیفی خاص است (کشفی و اصانلو، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در این رابطه لویس و همکاران (۲۰۱۲)، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند، پیامدهای رفتار بزهکارانه و عواقب دخالت نظام‌های عدالتی گسترده، اغلب برای نوجوانان زیان‌بار می‌باشد، از جمله اینکه می‌تواند نوجوانان را در تامین امنیت شغلی، دستیابی به اهداف تحصیلی و همچنین حفظ

روابط مبتنی بر اجتماع و شبکه های حمایت اجتماعی با مشکل مواجهه کند (لوپس و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۵۷).

در گرایش افراد به سمت بزهکاری و سایر اعمال خلاف قانون عواملی مختلفی می‌توانند نقش داشته باشند، برای نمونه مراگ و مس کای (۲۰۱۳)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند افرادی که همسالان و والدینشان مصرف الکل و سایر اعمال خلاف قانون را تایید نمیکنند، سطوح پایین تری از مصرف الکل و رفتارهای بزهکارانه را در آینده از خود نشان دادند. (مراگ و مس کای، ۲۰۱۳: ۶۰۵). همچنین در تحقیقی که در تهران (۱۳۹۱)، در ارتباط با رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان نوجوان شهر تهران انجام شد، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تجربه قلیان کشیدن، سیگار کشیدن، رابطه جنسی، کتک کاری در بیرون از خانه و تجربه مصرف الکل به ترتیب همه گیرترین رفتارهای پر خطر در میان نوجوانان بود (رشید، ۱۳۹۴: ۳۱).

در سیر تحولی برخورد با پدیده بزهکاری، در بینش نظام‌های حقوقی کهن بزهکار همواره در آینه افعال خویش شناخته می‌شد زیرا، پیشینیان جرم را پدیده‌ای زیان آور و ناشی از افعال مادی صرف به شمار می‌آوردند و مسئولیت را متوجه کسی می‌دانستند که از فعل او زیانی به دیگری می‌رسید، تفاوتی نمی‌کرد که این فعل از انسان یا حیوان یا نبات و حتی اشیاء بی جان صادر می‌شد، تنها تحقق جنبه موضوعی فعل و نتیجه خسارت بار آن مهم بود. از این رو، کودک و نوجوان به همان اندازه مسئول افعال خویش شمرده می‌شدند که افراد بزرگسال در قبال اعمال خود مسئول بودند. دستاوردهای جرم‌شناسی در یک سده اخیر هر چند بزهکاران را بهتر به عدالت کیفری شناساند ولی این معرفت در محدوده مقولات حقوق کیفری کلاسیک همچنان باقی ماند. از دیدگاه حقوقی بزهکار کسی است که مرتکب جرم شده و یا در تحقق آن مداخله داشته است این تعبیر با آنچه از شخصیت ناسازگار بزهکار در جرم‌شناسی تعریف می‌شود تفاوت معرفت شناختی دارد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۱-۵۲).

در واقع باید جرم‌شناسی را مجموعه دانش‌هایی تلقی کرد که در بررسی بزهکاری به علل پیدایی، تکوین، فرایند و آثار جرم توجه دارد بنابراین قلمرو جرم‌شناسی بسیار گسترده است؛ چون، پدیده بزهکاری تاکنون موضوع مطالعه رشته‌های مختلف علمی قرار گرفته و در هر یک از این رشته‌ها رویدادهای جنایی با روش و مفاهیم خاصی سنجیده شده است، ولی کوشش مشترک تمام پژوهشگران صرف نظر از رشته علمی، شناختن عوامل و انگیزه‌هایی است که در رفتار بزهکاران اثر بخشیده و آنها را با قانون شکنی برانگیخته است (جرج پیکا، ترجمه نجفی ابرند آبادی، به نقل از اردبیلی، ۱۳۹۳: ۷۲). از نظر جرم‌شناسی، پیشگری اجتماعی مبتنی بر علت‌شناسی جرم است بدین معنا که در تکوین جرم عوامل مختلفی نقش دارند و وظیفه پیشگیری اجتماعی

شناسایی و خنثی کردن این عوامل جرم زاست (نجفی ابرند آبادی، به نقل از منفرد و جلالی فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). از سوی دیگر با توجه به اینکه درگیر شدن در چنین فعالیت‌های بزهکارانه‌ای، ممکن است هزینه‌های جدی فردی، اجتماعی و اقتصادی را به وجود آورد، بنابراین درک عوامل خطر مرتبط با دخالت و همچنین عواملی که ممکن است به صورت میانجی در بزهکاری نقش داشته باشند را ضروری می‌سازد (پرسی و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۷).

بزهکار یا مجرم در نظام کیفری ما کسی است که رفتاری مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود و چون برای تحقق، افزون بر عنصر مادی محتاج به وجود عنصر دیگری یعنی عنصر روانی است، جرم از نظر قانونی هنگامی رخ می‌دهد که رفتار مادی تشکیل دهنده آن (عنصر مادی) از موجودی با قصد و اراده (عنصر روانی) صادر شده باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۳). پاره‌ای از علل افزایش بزهکاری در میان نوجوانان به خاطر مهاجرت آنان از روستاها به شهرها و یا حومه‌ی شهرهای بزرگ است. از سوی دیگر میزان قدرت و استحکام شخصیتی فرد مانند عزت نفس بالا، سطح تحمل ناکامی بالا، نگرش مثبت به مراجع قدرت و میزان پرخاشگری فرد از عوامل بازدارنده بزهکاری است (انصاری‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۲). از جمله عوامل بزه‌زای داخلی (عوامل انسانی و روانی اعم از ساختمان بدن، طرز کار غدد داخلی و ناراحتی روانی) که شخصیت افراد را تحت تاثیر خود قرار داده و مورد توجه جرم‌شناسان نیز واقع شده است عوامل ارثی است همانطور که انسان از لحاظ مالی وارث بستگان خود می‌باشد ممکن است از نظر فردی نیز وارث استعدادها، خصلت‌های خوب و بد اسلاف و نیاکان خود که از راه وراثت به او منتقل می‌شود باشد (ستوده، ۱۳۸۹: ۶۸).

عمده تحقیقات و دیدگاه‌ها راجع به علل جرم و چرایی جرم تا اواخر قرن نوزدهم عمدتاً صبغۀ پزشکی و زیست‌شناختی و روان‌شناختی داشته است. جرم‌شناسی در بستر انسان‌شناسی جنایی متولد شده و پدر انسان‌شناسی جنایی دکتر لمبروزو بود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۵). نظریه‌های جسمانی و زیست‌شناختی مدعی اند جرم و بزهکاری و سایر شکل‌های کج روی حاصل نوعی جبر ژنتیک است اما این نظریه تا حد زیادی از اعتبار افتاده‌اند (گیدنز، به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۹). در جهت تعدیل نگرش لمبروزو، انریکو فری در کتاب خود تحت عنوان جامعه‌شناسی جنایی، سعی کرد نشان دهد که بزهکاری نتیجه‌ی کمبودهای روانی و جسمانی صرف نیست، و لذا در مجموع می‌توان گفت که جامعه‌شناسی جنایی، شاخه‌ای تخصصی از جرم‌شناسی است که علل و عوامل ارتکاب جرم را در بستر محیط (اعم از محیط حقیقی و مجازی) مطالعه و بررسی می‌کند. در جامعه‌شناسی هم، بحث علت‌شناسی جرم مطرح می‌شود اما علت‌شناسی محیطی، یعنی بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی ارتکاب جرم (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۹۱: ۶). استدلال جامعه‌شناسان این است که رفتارهای بزهکارانه و کج روی در متن و زمینه‌های اجتماعی مختلف، به شیوه‌های

متفاوتی تعریف می شود. نابرابری های ثروت و قدرت در جامعه، به شدت بر فرصت هایی که به روی افراد و گروه هایی مختلف گشوده می شود و نیز انواع و اقسام فعالیت های که جرم به شمار می آیند، تأثیر می گذارد. فعالیت های مجرمانه درست مثل فعالیت های مطیع قانون، آموخته می شوند و به طور کلی نیازهای مشابهی را دنبال می کند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴۹).

در دیدگاه روانشناسی، بزهکاری در حیطه اختلال سلوک و نافرمانی مقابله ای (oppositional defiant disorder) قرار می گیرد. در راهنمایی تشخیصی و آماری اختلال روانی (DSM-IV-IR) این طبقه برای توصیف کودکان و نوجوانانی که مسائل رفتاری آنان بسیار جدی تر از شیطنتها و بد رفتاری های عادی دوره نوجوانی است به کار گرفته رفته است. به طور معمول اختلال لجبازی مخالفت ورزی در حدود ۸ سالگی و اختلال سلوک در ۹ سالگی ظاهر می شوند و خیلی زیاد در ارتباط با یکدیگرند. کودکان مبتلا به اختلال سلوکی و اختلال لجبازی مخالفت ورزی ممکن است با هنجارهای یک گروه خود را وقف دهند یا فعالیت پرخاشگرانه خود را به تنهایی ظاهر سازند. رفتارهایی که معمولی اختلال سلوکی و اختلال لجبازی مخالفت ورزی هستند عبارتند از: جیب بری، کیف زنی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف، خرابکاری، تقلب در امتحان یا معامله، فرار از خانه و دعوای دائمی است. چون اختلالات سلوکی و لجبازی مخالفت ورزی دامنه گسترده ای از رفتارهای بسیار را در بر می گیرد، بنابراین کسانی مبتلا به این اختلالات مورد تشخیص واقع می شوند، ممکن است رفتارهای کاملاً متفاوتی از یکدیگر داشته باشند (آزاد، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۲۸).

علم روانشناسی رویکردهای مختلفی دارد که یکی از آنها روانشناسی شناختی است. در این رویکرد اعتقاد بر این است که تفکر یا به مفهوم وسیع تر شناخت، نقش اساسی و مهم در چگونگی بروز رفتار فرد ایفا می کند. نظریه عقلانی-عاطفی-رفتاری آلبرت الیس (Ellis)، یکی از نظریه های شناختی است این نظریه انواع باورها غیرمنطقی را به عنوان عامل اصلی مشکلات انسان معرفی می کند (معتمدین و عبادی، ۱۳۸۶: ۲).

منظور از چنین باورهایی در واقع وجود افکار نادرست و نامنطبق با واقعیت درباره خود و جهان است. به اعتقاد الیس هیچ رویدادی ذاتاً نمی تواند در انسان ایجاد آشفستگی روانی کند؛ زیرا تمام محرکها و رویدادها در ذهن معنا و تفسیر می شوند و بر این اساس، سازش نیافتگیها و مشکلات هیجانی در واقع ناشی از نحوه تعبیر، تفسیر و پردازش اطلاعات حاصل از محرکها و رویدادها هستند که افکار و باورهای ناکارآمد در زیربنای آنها قرار دارند. باورهای منطقی منجر به پیامدهای عاطفی و رفتار منطقی در فرد شده و به حفظ سلامت روان فرد کمک می کند (گوردن، فلت، هویت و بلانکسین ۲۰۰۸). برعکس وجود باورهای غیرمنطقی مانند اضطراب بیش از حد در مورد آینده و نگرانی در خصوص دسترسی به اهداف و نیز درماندگی نسبت به تغییرات ایجاد شده در زندگی،

باعث تجربه مکرر سطوح بالای برانگیختگی می شود. این احساس بر انگیزتگی به دنبال احساس شکست و ناکامی در رسیدن به اهداف نیز به صورت مکرر توسط فرد تجربه می شود (کراکر و پارک، ۲۰۰۴؛ سیپرانو، ۲۰۰۳).

الیس ریشه بسیاری از ناراحتی ها و اختلالات رفتاری و روانی انسان را در انواع عقاید و باورهای غیر منطقی که در مورد جهان پیرامون خود دارد می داند. به عنوان مثال الیس معتقد است وقتی حادثه فعال کننده A (Activating event)، برای فرد اتفاق می افتد او براساس تمایل ذاتی خود ممکن است دو برداشت متفاوت و متضاد از A داشته باشد؛ یکی افکار، عقاید و باورهای منطقی و عقلانی RB (Rational Beliefs)، و دیگری افکار، عقاید و باورهای غیر منطقی و غیرعقلانی IB (Irrational Beliefs)، در حالی که فرد تابع عقاید و باورهای منطقی باشد (RB)، به عواقب منطقی RC (Rational Consequence)، و شخصیت سالمی خواهد داشت؛ در حالی فرد تابع عقاید و باورهای منطقی باشد (RB)، به عواقب منطقی RC (Rational Consequence)، و شخصیت سالمی خواهد داشت؛ در حالی که اگر تابع و دستخوش عقاید و افکار غیر منطقی و غیر عقلانی باشد (IB)، با عواقب غیر منطقی IC (Irrational Consequence)، مواجه خواهد شد که در این حالت فردی است مضطرب و غیر عادی که شخصیت ناسالمی دارد (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

(دی گیو سیپ به نقل از اوزر و آک گان، ۲۰۱۵: ۱۲۸۸)، معتقد است باورهای غیر منطقی در دو موقعیت منفی اتفاق می افتند، در موقعیت اول حوادث خاصی در زندگی شخص اتفاق می افتند که منجر به اختلالات هیجانی- رفتاری می شود و به عنوان باور غیر منطقی در زندگی شخص قرار می گیرند. در موقعیت دوم، باورهای غیر منطقی جدید بر علیه حادثه منفی که ناشی از رفتار غیر منطقی اولیه است ظاهر میگردد. از این رو می توان دریافت که باورهای غیر منطقی جدید می توانند در محیط های منفی ظاهر شود که این محیط ها توسط تجربیات افراد (در حالی که با وقایع منفی همراه هستند) ایجاد می شوند. الیس و هارپر (۱۹۹۷) معتقدند که موارد زیر نمونه هایی از عقاید غیرمنطقی هستند که آنها را درونی می کنیم و به ناچار به خودشکنی منجر می شوند: ۱- من باید محبت و تأیید تمام افراد مهم را در زندگی کسب کنم ۲- من باید تکالیف مهم را باشایستگی تمام انجام دهم ۳- چون عمیقاً میل دارم که افراد با من با ملاحظه و منصفانه برخورد کنند، آنها حتماً باید این کار را انجام دهند ۴- اگر چیزی را که میخواهم به دست نیآورم، وحشتناک است و نمی توانم آن را تحمل کنم. یافته های هایش، کلارک، ماتیوز و ویلیام (۲۰۰۳)، نشان می دهد افرادی که باورهای غیرمنطقی دارند اضطراب و عملکرد اجتماعی ضعیفی دارند. از نظر الیس ما گرایش نیرومندی داریم به اینکه با درونی کردن عقاید خود شکن، خود را از لحاظ هیجانی ناراحت کنیم و به همین دلیل است که دستیابی به سلامت روان و حفظ کردن آن واقعا دشوار

است (رشیدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۰). نیک سرشت (به نقل از امین پور، احمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰)، به این نتیجه رسیده است که باورهای غیرمنطقی پسران بزهکار بیشتر از پسران عادی است و باورهای غیرمنطقی دختران بزهکار بیشتر از دختران عادی است. همچنین باورهای غیرمنطقی در بیماران وابسته به مواد ناشی از شرمساری، احساس گناه، انتظارات بیش از حد از خود، ناتوانی در ابزار همدلی، عدم احساس مسئولیت است (هیز، استروشال و ویلسون، ۲۰۱۲: ۹۹۳). الیس و همکاران معتقدند در مدارس و کلاس‌های خاص می‌توان شیوه تفکر و زندگی عقلانی را به افراد آموزش داد تا بدین وسیله پیشاپیش از ابتلای آن‌ها به اختلال عاطفی جلوگیری کرد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۵). زارعی دوست و همکاران (۱۳۸۶: ۲۷۷)، نیز در پژوهشی که با عنوان «مقایسه‌ی منابع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی در شهر تهران» انجام دادند به این نتیجه رسیدند که باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی که نوعی بزه به شمار می‌رود بیشتر از زنان عادی است. (هرینگن به نقل از سلیمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸). در مطالعه‌ی دیگر نشان داد که باورهای غیرمنطقی شدید موجب افکار خودکشی (suicide) می‌گردد در این پژوهش شدت افکار خودکشی در نمرات بالای باورهای غیرمنطقی منعکس بود. همچنین تأیید این امر که دوره نوجوانی دوره بسیار حساسی است و باورهای غیرمنطقی این افراد می‌تواند نقش تعیین‌کننده و حساسی را در چگونگی مواجه شدن این افراد با مشکلات زندگی آنها داشته باشد آکان و همکاران (۲۰۱۱)، در تحقیق خود تحت عنوان ((خودکشی غیرمنتظره و باورهای غیرمنطقی در نوجوانان)) به این نتیجه رسیدند، باتوجه به اینکه نوجوانان تغییرات فیزیولوژیکی و هیجانی قابل ملاحظه‌ای را در زندگی خود تجربه می‌کنند حتی نوجوانانی که از لحاظ روانشناختی با مشکل خاصی روبه رو نیستند، ممکن است باورهای غیرمنطقی را در ارتباط با عدم تحمل یاس و ناامیدی و همچنین تمایل به فاجعه نشان دادن آن موقعیت‌ها و حوادث را در زندگی خود داشته باشند. در این موقعیت‌ها نوجوانان ممکن است واقعیت را به نحوی اغراق آمیز و نادرست تفسیر کنند که این امر می‌تواند منجر به رنج بردن آن‌ها از زندگی و همچنین در برخی موارد منجر به خودکشی غیرمنتظره در آنان شود (آکان و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۸۸). معتمدین و عبادی (۱۳۸۶: ۲۷۷)، نیز در پژوهشی با عنوان «نقش باورهای غیرمنطقی و پرخاشگری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوره‌ی متوسطه‌ی شهر تبریز» به این نتیجه رسیدند که بین باورهای غیرمنطقی و پرخاشگری رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. قربانی و همکاران (۱۳۹۰: ۳۶) در تحقیقی که به مقایسه‌ی باورهای غیرمنطقی بیماران مبتلا به اختلال سوء مصرف شیشه و افراد عادی پرداختند، نتیجه‌گیری کردند که باورهای غیرمنطقی این بیماران بالاتر از گروه بهنجار است. در پژوهش دیگر امین پور و احمدزاده (۱۳۹۰: ۱۱۷) نشان دادند که بین باورهای غیرمنطقی و گرایش مثبت به اعتیاد رابطه معنا دار وجود دارد (اسمیت و زوراسکی، به نقل از ایران‌دخت و کیانی، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

در تحقیق دیگر حجت و همکاران (۲۰۱۳)، در مقایسه بین افراد معتاد به مواد مخدر افیونی و مواد مخدر صنعتی از نظر باورهای غیر منطقی، به این نتیجه رسیدند تفاوت معناداری بین این دو گروه در شدت باورهای غیرمنطقی وجود ندارد که این تشابه نشان دهنده بروز باورهای غیر منطقی در افراد هر دو گروه و نقش آن در گرایش افراد به اعتیاد است. در رابطه با منابع مهارگری (Controlling resources) که افراد به کار می گیرند می توان اینطور بیان کرد که یکی از جنبه های شخصیت انسان، نوع اسنادهایی است که در هنگام مواجه شدن با رویدادها به کار می گیرد. نظریه ی اسناد (attribution theory) که در روانشناسی اجتماعی مطرح است بر این فرض استوار است که انسان ها موفقیت ها و شکست های زندگی خویش را به عوامل قابل کنترل و یا به عوامل غیر قابل کنترل نسبت می دهند. منبع مهارگری، اولین بار از جانب راتر تحت عنوان منبع مهارگری درونی و بیرونی مطرح شد، این اصطلاح برای تمایز بین افراد دارای منبع مهارگری درونی و بیرونی معرفی شده است. افرادی که معتقدند سرنوشت خود را کنترل می کنند، دارای منبع مهارگری درونی، و آن هایی که اعتقاد دارند سرنوشت آن ها به وسیله عوامل بیرونی تعیین می شود دارای منبع مهارگری بیرونی هستند (مقدم، ۱۹۹۸، به نقل از یوسیلانی ۱۳۸۶: ۱۹). در واقع منبع مهارگری یکی از ویژگی های شخصیتی است که با سازگاری فردی و اجتماعی افراد در ارتباط است. منبع مهارگری دارای دو بعد فرضی درونی و بیرونی است. بر پایه اکثر پژوهش ها افرادی که دارای منبع مهارگری بیرونی هستند، احتمال بروز رفتار ناساگاران در آنان بیشتر است. ناسازگاری اصولاً از حوزه حقوق کیفری خارج است؛ زیرا دارای وصف مجرمانه نیست اما از آنجا که می تواند زمینه ای برای رفتارهای مجرمانه و به عبارتی جلوه های اولیه بزهکاری باشد و به صورت های چون ضرب و جرح، افسردگی، اعتیاد، خودکشی و... نمود پیدا کند در جرم شناسی مورد مطالعه قرار می گیرد. عده ای از جرم شناسان معتقدند بزهکاری تداوم دهنده ناسازگاری و انحراف اولیه است (نجفی ابرند آبادی، به نقل از بسامی و قره تپه، ۱۳۸۸: ۱۲۰). افرادی که دارای منبع مهارگری درونی هستند به احتمال کمتر دچار هیجان ها و بزهکاری ها شده و با استرس بهتر مقابله می کنند. پژوهش ها نشان داده است افرادی که از منبع مهارگری درونی برخوردارند کمتر دچار اضطراب و افسردگی شده و به احتمال کمتری دست به خودکشی می زنند (کلیتکانگاس و همکاران، ۱۹۹۰؛ لفقورت، ۱۹۸۲، پتروسکی و بیرک همیر، ۱۹۹۱). فاکس، دی کونینگ و لیچت (۲۰۰۲)، در تحقیقات خود نشان داده اند که اسنادهای بیرونی با تکانشی بودن و نمره بالا در روان پریشی و روان رنجوری همراه است، که روان پریشی و روان رنجوری و هم تکانشی بودن با اختلال شخصیت ضد اجتماعی و اختلال سلوک ارتباط مستقیم دارد (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). شاین (۱۹۹۷) هم در پژوهش خود دریافت که اسناد بیرونی، با کینه توزی، جرم، بزهکاری و اعتیاد، همبستگی مستقیم دارد از سویی دیگر، اسنادهای سازگارتر و منبع مهارگری درونی، ممکن است حس کنترل افراد را بر

محیط، عزت نفس و احساس خود اندیشی افزایش داده و از اضطراب و احساس گناه بکاهد (خدمتگزار، ۱۳۸۹: ۲۱۱). همچنین یافته‌های تحقیقات (اسلسنیک و همکاران ۲۰۱۱؛ لایت فوت و همکاران ۲۰۱۱)، بیانگر این است که منبع مهارتی می‌تواند نقش موثری در سلامت روان و بروز رفتارهای بهنجار یا نابهنجار باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند افرادی که به کنترل رفتارشان و نتیجه تجاربشان ایمان دارند، یعنی افرادی که از قدرت کنترل حسی داخلی زیادی برخوردارند، کمتر در معرض اضطراب و افسردگی قرار می‌گیرند. خود تنظیمی و مهارت سازگاری مثبت بیشتری از خود نشان می‌دهند و در مقایسه با افرادی که منبع مهارتی آنها خارجی است از سطح عزت نفس و صلاحیت عینی بیشتری برخوردارند. همچنین در تحقیق دیگر اعتمادی و ماستری فراهانی (۱۳۹۰)، در تحقیقی تحت عنوان مقایسه سلامت روانی و منبع مهارتی نوجوانان دختران معتاد و غیر معتاد به این نتیجه دست یافتند سلامت روان دختران نوجوان دارای منبع مهارتی درونی به طرز معناداری بیشتر از دختران با منبع مهارتی بیرونی است لذا رشد و تقویت منبع مهارتی درونی یکی از روش‌های مناسب برای پیشگیری و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و فردی است (اعتمادی و ماستری فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). همچنین اصغری و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیق خود نشان دادند افرادی که داری منبع مهارتی درونی هستند گرایش کمتری به سوء مصرف مواد دارند (اصغری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). که این یافته‌ها بیانگر آن است افرادی که دارای منبع مهارتی درونی هستند مهارت‌های سازش یافته‌تر در ارتباط با خود و اجتماع دارند و رفتارهای تخریب‌گرایانه کمتری را از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این، احساس مهارتی با دیگر موارد سلامت که شامل نتایج سلامت در بزرگسالی و عملکرد تحصیلی بهتر در کودکان و نوجوانان می‌باشد ارتباط دارد. همچنین رحیم‌نیا و رسولیان (به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴)، در تحقیق خود نشان دادند که سبک‌های سازگاری پسران بزهکار در همه‌ی زمینه‌ها گسترده‌تر از دختران است و توانایی بالاتری در به کارگیری منبع مهارتی بیرونی دارند و همچنین منبع مهارتی بیرونی در زنان بعد از طلاق افزایش می‌یابد و به دنبال آن برگشت به منبع مهارتی درونی وجود دارد (لازاروس، ۱۹۶۸: ۴۸۲). در پژوهش دیگر، زنانی که مورد سوء استفاده‌ی جنسی قرار گرفته بودند، منبع مهارتی بیرونی بیشتری از خود نشان دادند (فلدمن، ۱۹۹۸: ۴۸۲). پژوهش‌های انجام گرفته نشان می‌دهد افرادی که از منبع مهارتی درونی برخوردارند کمتر دچار اضطراب و افسردگی می‌شوند و به احتمال کمتری دست به خودکشی می‌زنند (بناسی، سووینی و دوفور، ۱۹۸۸: ۴۸۳، ۴۸۲). همچنین در تحقیق دیگر فدایی و همکاران (۲۰۱۱)، در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند بین منبع مهارتی بیرونی با افسردگی و افکار خودکشی در دانشجویان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد (فدایی و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵۵). منبع مهارتی با رفتار مطلوب در دانش آموزان مدرسه نیز رابطه‌ی معنادار دارد. بدین معنا که هرچه منبع مهارتی دانش آموزان

درونی تر باشد رفتار انضباطی آن‌ها مطلوب‌تر خواهد بود. (یوسیلانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹). و همچنین بررسی‌های انجام شده در زمینه منبع مهارگری نشان می‌دهد که در افراد بزهکار منبع مهارگری بیرونی است و به باور آن‌ها نیرویی فراتر از کنترل شخصی هدایت آن‌ها را بر عهده دارد (یک و اولون دیک، ۱۹۷۶ به نقل از زارعی دوست و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۷۳). با توجه به مطالب مطرح شده در سطور بالا که بیانگر اهمیت بررسی ارتباط بین این متغیرهاست هدف پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین باورهای غیرمنطقی، منبع مهارگری با گرایش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است که به منظور رابطه سنجی بین سه متغیر (باورهای غیرمنطقی، منبع کنترل و بزهکاری در نوجوانان) تدوین شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمام دانش آموزان مقطع متوسطه ناحیه دو رشت در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است. نمونه-گیری در این پژوهش به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است بدین معنی که ابتدا از دو ناحیه آموزشی و پرورش شهر رشت، ناحیه دو و آنگاه از کلیه مدارس متوسطه ناحیه دو شهر رشت، چهار مدرسه (دو مدرسه دخترانه و دو مدرسه پسرانه) انتخاب شدند و سپس از هر مدرسه دو کلاس پایه دوم و سوم و در نهایت ۳۷۹ نفر از دانش آموزان پایه دوم و سوم متوسطه (۱۷۹ نفر پسر، ۱۸۱ نفر دختر) جهت شرکت در پژوهش انتخاب شدند. ملاک انتخاب حجم نمونه جدول کرجسی و مورگان (krejci & morgan) می‌باشد.

ابزارهای تحقیق

پرسشنامه باورهای غیر منطقی (اهواز) 4IBT-A – factor irrational beliefs test (ahwaz)

این پرسشنامه با هدف سنجش باورهای غیر منطقی اصلاح شده و فرم کوتاه شده پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز (jonz) ۱۰۰ ماده ای می‌باشد که پرسشنامه حاضر توسط غلامحسین عبادی و مختار معتمدیان در سال ۱۳۸۴ در شهر اهواز دوباره بررسی شد و ۶۰ ماده از ۱۰۰ سوال آزمون حذف شد و یک ساختار ۴ عاملی بدست آمد. این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال است که آزمودنی براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت به آن پاسخ می‌دهد که کمترین درجه نمره ۱ و بالاترین درجه برای هر سؤال نمره ۵ است. روایی این ۴ عامل از طریق روایی عاملی و همگرا و پایایی آن‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه گردید. ضریب پایایی کل آزمون از طریق آلفای

کرونباخ ۰/۷۹۵، و ضریب روایی همگرایی آزمون 4IBT-A و IBT برابر با ۰/۸۷، به دست آمد. (عبادی و معتمدیان، ۱۳۸۴). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۴ بوده است.

پرسشنامه منبع مهارت‌گری نوویکی - استریکلند

پرسشنامه منبع مهارت‌گری استریکلند (۱۹۷۳) یک ابزار مداد کاغذی است که توسط برومند نسب، شکرکن و نجاریان (۱۳۷۳) در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ترجمه شده است. سؤال‌های آن، موقعیت‌های تقویتی را با عوامل بین شخصی و انگیزشی از قبیل پیشرفت، وابستگی و پذیرش فرد در گروه توصیف می‌کند (نوویکی - استریکلند، ۱۹۷۳). این پرسشنامه دارای ۴۰ سؤال است که آزمودنی به صورت «بلی» یا «خیر» به هر سؤال پاسخ می‌دهد. این مقیاس به صورت ۰ و ۱ نمره‌گذاری می‌شود. در نمونه اصلی گرفتن نمره بالا به منزله جهت‌گیری برونی است. تهیه‌کنندگان این مقیاس روش‌های متعددی را برای تعیین پایایی و روایی آن به‌کار گرفته‌اند. پایایی بازآزمایی، با فاصله زمانی ۶ هفته روی گروه‌های مختلف سنی بین ۰/۶۳ تا ۰/۷۱ گزارش شده است. همچنین پایایی دو نیمه‌سازی را با به‌کارگیری فرمول اسپیرمن - براون روی گروه‌های سنی مختلف بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند (نوویکی و استریکلند، ۱۹۷۳). جهت اعتباریابی پرسشنامه نوویکی - استریکلند در پژوهش برومندنسب، شکرکن و نجاریان از روش اعتبار سازه‌ای استفاده شده است که ضریب همبستگی بین پرسشنامه منبع مهارت‌گری راتر و مقیاس منبع مهارت‌گری نوویکی - استریکلند $r = 0/46$ گزارش شده است. در پژوهش برومند نسب (۱۳۷۳) جهت اعتباریابی آزمون نوویکی - استریکلند ضریب همبستگی بین مقیاس منبع مهارت‌گری راتر و مقیاس نوویکی - استریکلند $r = 0/47$ می‌باشد ($P = 0/001$). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۶۷ بوده است.

پرسشنامه رفتارهای بزهکارانه (۱۳۸۹)

این پرسشنامه با هدف سنجش نگرش به رفتارهای بزهکارانه را وحید فضلی در سال ۱۳۸۹ برای نوجوانان ۱۵ الی ۱۸ سال تهیه کرده است، که ۲۸ ماده دارد و بر اساس لیکرت ۴ عامل نمره-گذاری می‌شود. جهت حصول اطمینان از پایایی و روایی پرسشنامه، عبارات و طیف مورد استفاده برای پاسخ، به افراد صاحب‌نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (استادان رشته‌های روانشناسی، جرم‌شناسی، و جامعه‌شناسی) ارائه گردید و بر اعتبار آن صحنه گذاشته شد. این ابزار برای مشخص کردن نگرش مثبت و منفی به رفتارهای بزهکارانه در نظر گرفته شده است. در طی یک بررسی، سؤالات به صورت پایلوت بر روی ۲۰۰ نفر از نوجوانان ۱۵-۱۸ سال مدارس دولتی شهر تهران انجام گرفت و با استفاده از روش آلفای کرونباخ میزان پایایی برای نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه

۰/۷۱ و برای نگرش منفی به رفتارهای بزهکارانه ۰/۷۷ بدست آمد (سعادت و خدایاری، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای نگرش مثبت به بزهکاری ۰/۶۲، و برای نگرش منفی به بزهکاری ۰/۷۸، بوده است.

نتایج:

جدول ۱- ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	باورهای غیرمنطقی	منبع مهارگری	نگرش مثبت به بزهکاری	نگرش منفی به بزهکاری
باورهای غیر منطقی	-	-	-	-
منبع مهارگری	-	۱	-	-
نگرش مثبت به بزهکاری	**۰/۲۳۶	**۰/۳۴۷	۱	-
نگرش منفی به بزهکاری	-۰/۰۳۲	**۰/۳۳۶	**۰/۴۷۸	۱

** P < ۰/۰۱

ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است. بر اساس یافته‌های جدول ۱ بین متغیرهای باورهای غیر منطقی با نگرش مثبت به بزهکاری با ضریب همبستگی ۰/۲۳۶، و با نگرش منفی به بزهکاری با ضریب همبستگی ۰/۰۳۲، ارتباط معنادار وجود دارد. و همچنین بین متغیرهای منبع مهارگری با نگرش مثبت به بزهکاری با ضریب همبستگی ۰/۳۴۷، و با نگرش منفی به بزهکاری ۰/۳۳۶، ارتباط معنا دار وجود دارد.

-آزمون هم خطی برای بررسی مفروضه های رگرسیون و مدل معادلات ساختاری

در آزمون‌های رگرسیونی و مدلسازی معادلات ساختاری باید آزمون هم خطی به عمل آید. براین اساس اگر متغیرهای مستقل دارای واریانس مشترک باشند، ضریب رگرسیونی دچار تورم می شود و قابل اعتماد نخواهد بود.

جدول ۲: آزمون هم خطی برای بررسی عامل تورم واریانس و هم خطی متغیر مستقل در مدل

بتا	T	سطح اطمینان	Tolerance	VIF
۰/۳۴۷	۷/۱۷	۰/۰۰۰	.۷۶۸	۱.۳۰۲
۰/۲۳۶	۴/۷۳	۰/۰۰۰	.۷۶۸	۱.۳۰۲

بررسی آزمون هم خطی نشان می‌دهد با توجه به اینکه میزان تولرنس به یک نزدیک است (۰.۷۶۸) و عامل تورم واریانس با ۲ فاصله زیاد دارد (۱.۳۰۲) می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر هم خطی بسیار پایین است و در نتیجه مفروضه تحلیل رگرسیون برقرار است.

-رگرسیون گام به گام

در ادامه به منظور تعیین مفروضه‌های تحقیق در پیش‌بینی نگرش به بزهکاری و اینکه آیا منبع مهارگری و باورهای غیر منطقی می‌تواند گرایش به بزهکاری را در دانش آموزان پیش‌بینی کند، از رگرسیون گام به گام استفاده شد. بدین ترتیب در گام اول نگرش مثبت به بزهکاری به عنوان متغیر ملاک و متغیر منبع مهارگری به عنوان متغیر پیش بین در نظر گرفته شده است و در گام دوم متغیر باورهای غیرمنطقی به عنوان متغیر پیش بین و متغیر نگرش مثبت به بزهکاری به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: متغیرهای پیش بین درون معادله به منظور پیش‌بینی نگرش مثبت به بزهکاری

گام	متغیرها	R	r ²	F	B	Beta	T	P
اول	منبع مهارگری	۰/۳۴۷	۰/۱۲	۵۱/۴۳	۰/۳۶۰	۰/۳۴۷	۷/۱۷	۰/۰۰۰
دوم	باورهای غیرمنطقی	۰/۳۴۷	۰/۱۲	۵۱/۴۳	۰/۰۶۷	۰/۲۳۶	۴/۷۳	۰/۰۰۰

برای تعیین سهم متغیرهای منبع مهارگری و تفکرات غیر منطقی در پیش‌بینی نگرش مثبت به بزهکاری از رگرسیون گام به گام استفاده شد. با توجه به یافته‌های جدول شماره ۳ نتایج نشان داد در یک گام منبع مهارگری همبستگی بالا و معناداری با نگرش مثبت به بزهکاری دارد و ضریب t برای آن حدود ۷/۱۷ می‌باشد که با مقدار $p=۰/۰۰۰$ معنادار است و در گام دوم باور غیر منطقی همبستگی بالا و معناداری با نگرش مثبت به بزهکاری دارد و ضریب t برای آن حدود ۴/۷۳ می‌باشد که با مقدار $p=۰/۰۰۰$ معنادار است و نهایتاً ۰/۱۲ از واریانس نگرش مثبت به بزهکاری را پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین باورهای غیر منطقی، منبع مهارگری با نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی است. بدین منظور فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون آماری مناسب بررسی شدند، که نتایج آنها در جدول ۳، ۲، ۱ به طور مبسوط بیان شده است. همچنان که از

جدول ۱ برمی آید فرضیه ی اول پژوهش: مبنی بر اینکه بین باورهای غیر منطقی و نگرش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت وجود دارد تأیید شده است. این نتیجه با یافته های تحقیقات امین پور و احمد زاده (۱۳۹۰) نیک سرشت (۱۳۹۰) همخوانی دارد. در تبیین احتمالی این فرضیه شاید یکی از بهترین تبیین ها، نظریه عقلانی-عاطفی-رفتاری الیس (۱۹۶۹) باشد. چرا که وی معتقد است وقتی حادثه فعال کننده ای رخ می دهد (A)، رفتاری که از فرد سر می زند به طور مستقیم از این حادثه فعال کننده ناشی نمی گردد، بلکه بین حادثه فعال کننده و رفتار فرد، باورها (B) و تفکرات فرد و در حقیقت نظام باورهای وی ارتباط برقرار است، که بر نحوه و نوع رفتارهای وی تأثیر می گذارند. بنابراین رفتارهایی مانند پرخاشگری، ضرب و جرح، اعمال خلاف قانون و بزهکاری می تواند به عنوان پیامد (C) باورهای غیر منطقی باشد. در واقع افرادی که بر باورهای غیر منطقی تأکید می کنند در زندگی با مشکلات چندی روبه رو خواهند شد و برای آنها دشوار است که به خشنودی دست یابند (هالین، ۱۹۹۶: ۱۰۹). از سوی دیگر اگر فرد در برخورد با رویدادهای زندگی توانایی شناسایی شیوه های سالم را نداشته باشد، در واکنش فعال نسبت به چالش های زندگی با دشواری روبه رو خواهد شد و برای حل مشکلات زندگی به رفتارهای انحرافی و بزهکارانه رو خواهد آورد (کلینکه، ۱۹۹۸، به نقل از احمدزاده، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

همچنین در تأیید فرضیه فوق، پژوهشی که ساگر (۱۹۹۳) درباره ی باورهای غیرمنطقی نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار انجام داد به این نتیجه رسید که باورهای غیرمنطقی در نوجوانان بزهکار بیشتر از نوجوانان غیر بزهکار است. همچنین توپلوسکی (۲۰۰۱) نیز در تحقیات خود نشان داد که تفکرات و باورها در افراد عادی و بزهکار متفاوت است. بدین معنا که هر چه میزان باورهای غیرمنطقی فرد بالاتر باشد، نگرش مثبت او به بزهکاری بیشتر خواهد بود و چنین فردی اعمال بزهکارانه بیشتری از خود نشان می دهد.

همچنان که از جدول ۱ برمی آید دومین فرضیه پژوهش حاضر، مبنی بر آنکه بین باورهای غیر منطقی و نگرش منفی به بزهکاری ارتباط معنا دار وجود ندارد تأیید شده است. بدین معنا افرادی که دارای باورهای غیر منطقی هستند در مقایسه با افراد عادی یا فاقد باورهای غیر منطقی گرایش بیشتری نسبت به بزهکاری دارند و گرایش منفی به بزهکاری در آنها کمتر است. به اعتقاد الیس (۱۹۹۵) مشکلات روانی، رفتاری و بسیاری از ناراحتی های مردم و زندگی عاطفی نامنظم آنها ریشه در انواع عقاید غیر منطقی و غیر واقعی آنها در مورد خود و جهان پیرامون آنها دارد. از نظر او مشکلات روانی و رفتاری نتیجه ی شناخت نادرست افراد است چرا که عواطف محصول شناخت است و پیامدهای فراوانی که از تفکرات غیر منطقی ناشی می شود علل اساسی مهم ترین اختلال های هیجانی به شمار می روند و این نتیجه با نتایج تحقیقات زارعی دوست و

همکاران، ۱۳۸۶؛ فارلی و همکاران، ۱۹۹۸ همخوانی دارد. در واقع همگی این محققان دریافتند که باورهای غیرمنطقی می‌تواند نقش بسیار مهمی در ایجاد نگرش مثبت به بزهکاری ایفاء کند. سومین فرضیه پژوهش حاضر مبنی بر این که بین منبع مهارگری و نگرش مثبت به بزهکاری رابطه مثبت وجود دارد، طبق نتایج بدست آمده در جدول ۱ تایید شده است. در واقع افرادی که منبع مهارگری بیرونی دارند، در برخورد با استرس شیوه‌های مقابله‌ای ضعیف را به کار می‌گیرند. چون امید اندکی به تواناییهای خود در رویارویی با استرس دارند در مقایسه با افراد دیگر دارای اعتماد بنفس کمتری هستند، این افراد تکانشگری، حالت‌های افسردگی، توانایی ضعیف در ابراز وجود، اضطراب زیاد و نیاز شدید به تایید اجتماعی، همراه با رفتارهای پرخطر را از خود نشان می‌دهند (فورمن ولینی، ۱۹۹۱: ۵۶). و این یافته با نتایج تحقیقات بک و همکاران، ۱۹۸۰؛ لفقورت ولادویک، ۱۹۹۶؛ منظرپور، ۱۳۷۷؛ بهبودی، ۱۳۷۸ همخوانی دارد. این پژوهشگران دریافتند که بین بزهکاری و نوع منبع مهارگری رابطه معناداری وجود دارد در بررسی آنان شمار افرادی که منبع مهارگری بیرونی داشتند به طور معنی داری در گروه بزهکار بیشتر از گروه غیر بزهکار بودند. در حالی که در تحقیقات پژوهشگران دیگر (دراس گودت و همکاران، ۱۹۷۴؛ گرو و گلدنبرگ، ۱۹۷۶) رابطه معنادار بین نوع منبع مهارگری و نگرش مثبت به بزهکاری یافت نشده است.

همچنین بین منبع مهارگری درونی و نگرش مثبت به بزهکاری رابطه معناداری یافت نشده است و این یافته با نتایج تحقیقات لفقورت، ۱۹۸۲؛ نیکخو، ۱۳۷۹ همخوانی دارد بدین معنا افرادی که دارای منبع مهارگری درونی هستند مهارتهای سازش یافته‌تری را با اجتماع دارند و رفتاری‌های خود ویرانگری همچون سیگار کشیدن، مصرف مشروبات الکلی و اعتیاد به مواد مخدر در آنها کمتر دیده می‌شود (الماسی ۱۳۷۷، به نقل از اصغری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۳). در واقع افراد با منبع مهارگری درونی معتقدند که رویدادهای مثبت زندگی در نتیجه‌ی نقشه‌ریزی دقیق خود آنها به دست می‌آید، لذا در اعمال و رفتار و پیامدهای ناشی از آن قبول مسئولیت می‌کنند و به همین دلیل برای رسیدن به موفقیت تلاش بیشتر و در صورت شکست احساس شرمندگی می‌نمایند و در پی جبران آن بر می‌آیند (دودانگه، ۱۳۷۶، به نقل از یاسمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۹). همچنین افراد با منبع مهارگری درونی به احتمال کمتری دچار مشکلات هیجانی می‌شوند و کمتر به الکل و مواد مخدر روی می‌آورند و کمتر دست به خودکشی می‌زنند.

فرضیه چهارم مبنی بر اینکه بین منبع مهارگری بیرونی با نگرش منفی به بزهکاری رابطه معنادار وجود ندارد طبق نتایج به دست آمده از جدول ۱ این فرضیه تایید شده است. این یافته با نتایج تحقیقات زارعی دوست و همکاران (۱۳۸۶) مدانلو و همکاران (۱۳۸۰) همخوانی دارد. در واقع افرادی که دارای منبع مهارگری بیرونی هستند، معتقدند که نمی‌توانند از انجام دادن رفتارهای

ناسالم خودداری کنند و به کارهایی از قبیل سوء مصرف مواد الکلی، دزدی، خوردن نامعقول و ضرب و جرح مبادرت می‌ورزند. فیست و فیست (۱۳۹۲: ۴۳۲). چراغی (۱۳۸۹)، به نقل از اصغری و همکاران، (۱۳۹۲: ۱۱۳) در یک مطالعه‌ی آزمایشی نشان داد که مشاوره گروهی و آموزش مهارت‌های زندگی موجب تغییر منبع مهارگری بیرونی به منبع مهارگری درونی و تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و سایر اعمال بزهکارانه می‌شود. همچنین افرادی که دارای منبع مهارگری بیرونی هستند از کارهای هر چند خلافی که بدان وسیله بتوانند تایید همسالان را به خود جلب کنند دریغ نمی‌کنند. و این امر نشان دهنده‌ی اعتماد بنفس پایین آنها در مواجهه با موقعیت‌ها و فشارهای اجتماعی است، که نیاز به تایید دیگران را می‌طلبد و موجب سلب حضور فعال و مناسب این افراد در اجتماع می‌گردد.

محدودیت‌های روش شناختی

- حساسیت مسئولین آموزش و پرورش در زمینه جمع آوری اطلاعات در مورد بزهکاری و عدم موافقت با گویه‌هایی که برخی از جنبه‌های رفتار بزهکارانه را می‌سنجد.
- ویژگی اجتماعی و فرهنگی جامعه و ملاحظات که باعث می‌شود افراد در بسیاری از موارد به ویژه در مورد بزهکاری محافظه کار باشند و بخواهند خودشان را خوب نشان دهند و این موضوع در تحقیق حاضر که در دبیرستانها انجام شده بیشتر به چشم می‌خورد و دانش آموزان از بیم آنکه اطلاعات به دست مدیر مدرسه برسد یا همکلاسی او از اطلاعات او باخبر شوند از دادن اطلاعات صحیح طفره می‌روند.
- نبودن فرهنگ پژوهش در بین دانش آموزان و عدم پاسخگویی صحیح به پرسشنامه.
- از آنجایی که پژوهش حاضر در بین دانش آموزان مقطع متوسطه ناحیه ۲ رشت انجام گرفته شده است؛ در تعمیم به سایر جوامع، گروه‌های سنی و تحصیلی باید احتیاط لازم را داشت. با این وجود پژوهش‌های بیشتر یافته‌های پژوهش حاضر را قوت خواهد بخشید.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که مراکز آموزشی سهم عمده پرورش افراد جامعه را بر عهده دارند لازم است در سطوح مختلف آموزشی به این امر توجه بیشتری شود و در تعلیم و تربیت افراد تا حد امکان تقویت کننده‌های بیرونی که موجب انگیزش بیرونی می‌شود کمتر استفاده شود تا زمینه برای انجام تقویت کننده‌های درونی و انگیزش درونی آماده شود. چنانچه دانش آموزی برای انجام فعالیت‌هایش، توجیهات بیرونی نداشته باشد، سعی می‌کند که به انگیزه‌های درونی و ارزشمند دانستن

فعالیت‌ها بپردازد و این موجب تضعیف منبع مهارگری بیرونی و تقویت منبع مهارگری درونی می‌شود.

- پژوهش‌هایی با این مؤلفه در مدارس غیرانتفاعی و مناطق مختلف جغرافیایی و در دوره‌های سنی همچون جوانی و بزرگسالی انجام دهند.

- همچنین پیشنهاد می‌شود از روش مصاحبه نیز برای کشف نوع مهارگری افراد و میزان باورهای غیرمنطقی آن‌ها استفاده شود و داده‌های حاصل از مصاحبه با داده‌های حاصل از پرسشنامه مقایسه شود.

منابع

- آزاد، ح. ۱۳۸۹. آسیب‌شناسی روانی ۱، چاپ هفتم، تهران: نشر بعثت.
- آنتونی، گ. ۱۹۹۱. جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- اردبیلی، م. ۱۳۹۳. حقوق جزایی عمومی، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، م. ۱۳۹۳. حقوق جزایی عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- اصغری، ف؛ کرد میرزا، ع. و احمدی، ل. ۱۳۹۲. «رابطه نگرش مذهبی، منبع کنترل و گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان»، فصلنامه مقالات اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، ۲۵(۷): ص ۱۱۶-۱۰۶.
- اعتمادی، ا. و ماستری فراهانی، ف. ۱۳۹۰. «مقایسه وضعیت سلامت روانی و منبع کنترل نوجوانان دختر خانواده‌های معتاد و غیرمعتاد»، فصلنامه علوم تربیتی، ۱۶(۴): ص ۱۵۲-۱۳۷.
- امین‌پور، ح. و احمدزاده، ی. ۱۳۹۰. «بررسی و مقایسه‌ی وضعیت باورهای غیرمنطقی در افراد معتاد و عادی، اعتیاد پژوهی، ۱۷(۵): ۱۲۰-۱۰۷.
- پاکیزه، ع. ۱۳۹۱. «بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیت و منبع کنترل دختران فراری با دختران عادی»، فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی، ۲(۱): ص ۶۳-۳۱.
- حاتمی، ح؛ محمدی، ن؛ ابراهیمی، م. و حاتمی، م. ۱۳۸۹. «رابطه منبع کنترل و ویژگی‌های شخصیتی»، اندیشه و رفتار (روانشناسی کاربردی)، ۱۸(۵): ص ۳۰-۲۱.
- حسینی، ا. و یکه‌کار، ش. ۱۳۹۰. «بررسی مقایسه‌ای عوامل خانوادگی موثر بر بزهکاری دختران نوجوان شهر تهران ۱۳۸۶-۱۳۸۷» فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۱۲(۴): ص ۹۸-۱۱۵.

- حسینی دولت‌آبادی، ف؛ سعادت؛ س. و قاسمی جوینه، ر. ۱۳۹۲. «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خود کارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، ۲(۴): ص ۸۸-۶۷.
- رشید، خ. ۱۳۹۴. «رفتارهای پرخطر در بین دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران»، **فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، ۵۷(۱۵): ص ۵۵-۳۱.
- رشیدی، ف؛ قدسی، ا. و شفیع‌آبادی، ع. ۱۳۸۹. «نقش باورهای غیرمنطقی بر سلامت روان دانش‌آموزان دختر متوسطه شهر تهران»، **فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی**، ۲(۵): ص ۶۶-۴۹.
- رضایی، م؛ اژه‌ای، ج. و غلام علی لواسانی، م. ۱۳۹۱. «تاثیر آموزش راهبردهای مقابله با باورهای غیرمنطقی با رویکرد شناختی بر اضطراب امتحان دانش‌آموزان»، **روانشناسی: مجله روانشناسی بالینی**، ۳(۱۵): ص ۲۰-۱۳.
- زارعی دوست، ا. عاطف وحید، م، بیان‌زاده، ا. بیرشک، ب. ۱۳۸۶. «مقایسه منبع کنترل، شیوه‌های مقابله و باورهای غیرمنطقی در زنان روسپی و عادی شهر تهران»، **مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران**، ۱۷(۱۳): ص ۱۲۰-۱۰۷.
- شریعتمداری، آ. ۱۳۸۸. «کانون کنترل درونی و بیرونی»، **فصلنامه‌ی رشد مشاوران مدرسه**، ۱۸(۵): ص ۴۳-۲۲.
- شفیع‌آبادی، ع. ناصری، غ. ۱۳۸۱. **نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی**، چاپ چهارم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شولتز، د. شولتز، س. ۲۰۰۵. **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، چاپ پنجم، تهران: نشر روان.
- فیست، جس، فیست، گ. ۲۰۰۲. **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، چاپ چهارم، تهران: نشر روان.
- قربانی، م؛ کاظمی، ح و قربانی، ط. ۱۳۹۰. «مقایسه باورهای غیرمنطقی بیماران مبتلا به اختلال سومصرف شیشه و افراد عادی»، **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**، ۳(۱۲): ص ۳۷-۳۱.
- قلی‌بیگان، م. ۱۳۸۳. «بررسی علل بزهکاری در نوجوانان»، **اصلاح و تربیت**، ۳۰(۲): ص ۲۸-۲۴.
- کشفی، س. و اصانلو، ع. ۱۳۹۰. «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، **نشریه پلیس زن**، ۱۵(۵): ص ۱۲۸-۱۱۲.

- محمدی اصلی، ع. ۱۳۸۳. «ابعاد اجتماعی بزهکاری نوجوانان»، **مجله گزارش**، ۱۵۱-۱۵۰: ص ۵۸-۶۵.
- مختاری، ب. ۱۳۹۱. «علت یاب بزهکاری اطفال و نوجوان، علوم تربیتی»، **اصلاح و تربیت**، ۱۲۶: ص ۱۶-۲۰.
- معتمدین، م. و عبادی، غ. ۱۳۸۶. «نقش باورهای غیر منطقی و پرخاشگری بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر متوسطه شهر تبریز»، **پژوهش در برنامه ریزی درسی**، ۱۴: ص ۱-۲۲.
- منفرد، م. و جلالی فراهانی، ا. ۱۳۹۱. «کدهای رفتاری پیشگیری از جرم»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، ۲(۳): صص ۱۳۴-۱۰۵.
- نجفی ابرند آبادی، ع. ۱۳۹۱. **تقریرات درس جامعه شناسی (جامعه شناسی جرم)**، تنظیم صبوری پور مهدی، دوره کارشناسی ارشد.
- نیکخو، غ. ۱۳۷۹. «بررسی و مقایسه منبع کنترل در بین بزهکاران و دانش آموزان میان دو آب»، **اصلاح و تربیت**، ۱۵(۱۳): ص ۱۵-۱۰.
- بسامی، م و قره تپه، آ. ۱۳۸۸: «نقش منبع کنترل در پیشگیری از جرم»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، ۱۳(۴): ص ۱۳۲-۱۲۰.
- یوسیلانی، غ؛ حبیبی، م و سلیمانی، ا. ۱۳۹۱. «رابطه رفتار مطلوب انضباطی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت نفس دانش آموزان»، **مجله روان شناسی مدرسه**، ۲(۱): ص ۱۳۴-۱۱۴.
- Bao, Z. W.Zhang, X.Lai, W. Sun , And Y. Wang . 2015. "Parental attachment and Chinese adolescents' delinquency: The mediating role of moral disengagement". **Journal of Adolescence**, 44(1): 37-47.
- Cipriano, L. A. 2003."Psycho analytic perspective on substance abuse". **Journal of social work Health care**, 15(3): 9-46.
- Crocker, j. And Park, L. E. 2004. "Thy costly pursuit of self- steem". **Psychological Bulletin**, 130(3):392-414.
- Ebru Albayrak, O. And A. Ozcan Erkan. 2015 . "The Effects of Irrational Beliefs on Academic Motivation and Academic Self-Efficacy of Candidate Teachers of Computerand Instructional Technologies Education Department". **Procedia - Social and Behavioral Sciences**, 197,1287 – 1292.
- Ellis, A. 2001. **Overcoming destructive belief, feeling and behaviors**. Amherst. NY: Prometheus.
- Ellis, A. And P.A. Harper. 1997. **A guide to rational Living**. North Holly wood, CA: Melvin powers Wilshire.

- Fadaei, Z., A. Ashouri, Z. Hooshyari And B. Ezanloo. 2011. "Path analysis of locus of control, symptoms of depression and suicidal ideation on academic achievement: The role of gender as moderator". **Journal of Fundamentals of Mental Health**, 2(50): 148-59.
- Feldman, p. 1998. "The Psychology of crime". **Cambridge: Cambridge university press**. 3(43):33-48.
- Feldman, R.S. 1987. **Understanding Psychology**. New York: MC Graze Hill.
- Gordon, L., P. Flett, K. Hewitt, And R. Blank stein.1991. "demintion of perfectionism and irrational thinking". **Journal of Rational-Emotive and Cognitive- Behavior Therapy**,9(3):185-201.
- Hayes, S. C. Strosahl, K. D. And K.G. Wilson. 2012. "Acceptance and Commitment Therapy. Second Edition: The Process and Practice of Mindfull Change". **Guilford Press**, 40(7): 976-1002.
- Hirsch, C.R., D. M .Clark, A. Mathews, And R.Williams. 2003. "Self-images play a causal role in social phobia". **Behavior Research and therapy**, 41(8): 909-921.
- Hojjat, S.k.,G.Vahidi. M. Hamidi, S.A. Akaberi, S. Kazemi, M. Noruzi khalili, S. Shekari, And F. Mohammadi. 2013. "The Comparison of Personality Characteristic and Irrational Beliefs between Females with Opium Dependency and Female with Methamphetamine Dependency". **Journal of North Khorasan University of Medical Sciences**, 5(2): 323-329. (In Persian with English abstract).
- Pierce, J., C. Schmidt, And S.A. Stoddard. 2014. "The role of feared possible selves in the relationship between peer influence and delinquency". **Journal of Adolescence**, 38,17-26.
- Khedmatgozar, H., H. shareh, Y. vakili And F.Asghar Nezhad. 2008. "Offenders with conduct disorder and correction officers attribution styles in youth detention centers". **Journal of psychology of iran**, 4(1):17-23. (In Persian with English abstract).
- Lazorus.R. S. 1968. **Psychological stress a coping process**. New York: MCGrew Hill.
- Lckes and R. F. kidd (Eds), **new direction in Attribution Research. New Direction in Attribution Research**. New York: Erlbum.
- Lefcourt, H. M. 1982. **Locus of control: current trend in theory and research**. (2ed), Hillsdale, new York: Erlbaum.
- Light foot, M., J. A. Stein, H. tevendale, And K. preston. 2011. "Protective factors Associated fewer Multiple problem Behaviors Among Homeless/ Runaway youth". **Journal of clinical child & Adolescent Psychology**, 40(6):878-889.
- Lopes, G., M. D. Krohn, A. J. Lizotte, N. M. Schmidt, B.E. V_asquez, And J.G. Bernburg. 2012. "Labeling and cumulative disadvantage the impact of

- formal police intervention on life chances and crime during emerging adulthood". **Crime & Delinquency**, 58(3): 456-488.
- Mrug, S. And R. McCay. 2013. "Parental and peer disapproval of alcohol use and its relationship to adolescent drinking: age, gender, and racial differences". **Psychology of Addictive Behaviors**, 27(3): 604-614.
- Petrosky, M. j. And J.C. Birkimer. 1991. "The relationship among Locus of control coping styles and Psychological symptom reporting". **Journal of clinical psychology**, 47(3): 336- 345.
- Akcan, R. A. Mustafa, C, Necmi, And K. Ramazan. 2011. "Unexpected suicide and irrational thinking in adolescence: A case report", **Journal of Forensic and Legal Medicine** 18(6): 288-290.
- Shine, j. H. 1997. "The relationship between blame, attribution, age and personality characteristics in inmates admitted to Grendon therapeutic prison". **personality and individual Differences**, 23(16): 943-947.
- Slesnick, N., G. Erdem, J. Collins, K. Bantchevska, H. Katafiasz. 2011. "Predictors of treatment attendance among adolescent substance abusing runaways: a comparison of family and individual therapy modalities". **Journal of family therapy**, 33(1): 66-84.
- Wortman, c. B. 1979. **Causal attribution and personal control. In j. H.**